



بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

صهیونیسم

پیدایش ، گسترش ، ساختار

نویسنده: فاطمه راک خواه



ویرایش و تنظیم:

بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

◆◆ www.zionism.blog.ir ◆◆



مقدمه

تاریخچه ورود یهودیان به اروپا بدین ترتیب است که پس از ظهور حضرت عیسی علیه السلام و اهانت قوم یهود به ایشان، قیصر روم به فلسطین حمله کرد و در حمله به این شهر (بیت المقدس) بسیاری از مردم و از جمله یهودیان را به قتل رساند و تعدادی از آنها را اسیر و به روم برد؛ همین مسئله باعث باز شدن پای یهودیان به اروپا شد.

از دیاد نسل و جابجایی در بین سرزمین های مختلف، منجر به پراکندگی قوم یهود در سطح قاره اروپا شد. در قرن 8 میلادی نیز عده زیادی از مردم نواحی بین دریای خزر و دریای سیاه به یهودیت گرویدند که به "خزرهای ترک" معروف شدند و در حال حاضر ۹٪ از یهودیان اروپا و آمریکا و بخش قابل ملاحظه ای از جمعیت یهودی سرزمین های اشغالی از نسل همین گروه هستند. یهودیان در کشورهای اروپایی و به طور کلی در محیط های محل سکونت خود، همواره یک نوع زندگی درونگرا و بسته ای داشته اند و بزرگان این قوم ایشان را از اختلاط و آمیزش با ملت های دیگر منع می نمودند.

ملت های اروپایی هیچگاه دید مثبتی به یهودیان نداشتند و همین امر باعث شد که قوم یهود همواره در انزوا و حاشیه به سر برد. یکی از مهم ترین دلایلی که در تقویت این دیدگاه موثر بوده است، اعتقادات مذهبی مسیحیان می باشد که یهودیان را به عنوان قومی که پیامبر ایشان حضرت مسیح را به صلیب کشیده است و به ساحت این پیامبر الهی اهانت نمود، قومی خائن و گناهکار می دانند، از سوی دیگر وجود دیدگاه هایی در بین خود یهودیان مانند برگزیده بودن از جانب خدا، پست شمردن ملل غیر یهودی، فساد، مخفی کاری، خیانت، رباخواری و زراندوزی باعث به وجود آمدن دیدگاهی منفی از یهودیان در بین مسیحیان شده بود.

در کنار دیدگاه منفی مسیحیان نسبت به یهودیان، دیدگاه مشابهی از جانب یهودیان نسبت به مسیحیان به وجود آمد و این مسئله کم کم تبدیل به ایجاد تنش میان ایشان شد. برخی از دولت های اروپایی از قرن سیزدهم میلادی یهودیان را وادار به نصب علائمی بر روی لباس خود می نمودند تا از غیر یهودیان باز شناخته شوند. در طول سال های مختلف به کرات تعرضاتی به جان یهودیان صورت می گرفت. برخی از این درگیری ها از جانب مردم و برخی توسط حکومت ها و در واکنش به خلاف کاری های ایشان صورت می گرفت. (از موارد مخالفت حکومت ها با یهودیان می توان به انگلستان اشاره نمود که در اواخر قرن سیزدهم میلادی و در روزهای پایان جنگ های صلیبی، به دنبال بالا گرفتن احساسات ضدیهودی، همه یهودیان از این کشور اخراج شدند)

علاوه بر دلایلی که در ابتدا در رابطه با علل بروز تفکر و اقدامات ضدیهودی عنوان شد، خود اندیشمندان یهود نیز بارها بر نقش یهودیان در ایجاد و یا دامن زدن به احساسات ضدیهودی تاکید دارند. "برنارد لازار" یکی از برجسته ترین اندیشمندان یهودی (که امروزه انجمنی یهودی در فرانسه به نام وی فعالیت سیاسی و اجتماعی دارد) در مورد دلیل وجود تفکر ضدیهودی چنین می گوید:

«دلیل تفکر ضدیهودی در تاریخ از ابتدا تا به امروز این بود که یهودی موجودی غیراجتماعی بوده است. بروز تفکر یهودستیزی علل مذهبی، ملی و اقتصادی دارد. یهودیان در همه جا و همیشه خود را قومی برگزیده و بالاتر از اقوام دیگر می‌دانستند».

هرچند یهودیان در حال حاضر در صدد جبران و تغییر این دیدگاه هستند لکن با وجود گذشت قرن‌ها، هنوز هم این دیدگاه در بین اروپائیان وجود دارد و به خاطر حمایت بسیاری از یهودیان از رژیم‌هایی که هر روز به جنایت تازه‌ای در سرزمین‌های اشغالی دست می‌زند، افزایش نیز می‌یابد.

زمینه‌های شکل‌گیری تفکر صهیونیسم

با ذکر این جمله بن‌گوریون از فعالان سازمان جهانی صهیونیسم و اولین نخست‌وزیر اسرائیل در خصوص ماهیت صهیونیسم، به زمینه‌های مختلف شکل‌گیری تفکر صهیونیسم می‌پردازیم:

«سازمان صهیونیسم قداراست چیزی را که ماورای قدرت و صلاحیت اسرائیل است، به دست آورد و این نکته مزیتی است که سازمان صهیونیسم نسبت به این کشور دارد.»

هرچند زعما و بزرگان یهود، همواره لزوم بازگشت یهودیان به فلسطین (سرزمین موعود) را در میان جوامع خود تبلیغ و یادآوری می‌کردند، لکن تا قرن ۱۷ میلادی تلاش مشخص و بارزی همراه با فعالیت منسجم برای تحقق آن دیده نمی‌شود. از اوایل قرن ۱۸ میلادی و به دنبال فراهم شدن توجیحات لازم برای طرح تشکیل دولت یهودی، به طور پراکنده زمزمه‌هایی در این زمینه شنیده می‌شد. شاید بتوان برپایی سازمانی به نام "شورای عالی یهود" در فرانسه را (که ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۷ میلادی دستور آن را صادر نمود) اولین تشکل سازمان یافته یهودیان اروپا در قرون اخیر دانست. این سازمان که نمودی از شورای عالی یهودیان در زمان حضور در فلسطین موسوم به سهندین بود؛ از سازماندهی و چارت مشخصی برخوردار بود و رسماً نمایندگی یهودیان فرانسه را برعهده گرفت.

پس از این که دکتر "لئوپینکسر" از اندیشمندان فعال یهودی برای اولین بار مشخصاً به واژه صهیونیسم اشاره و اعلام کرد که یهودیان نباید برای عزیمت به فلسطین دست رو دست گذاشته و منتظر مسیح شوند و برای رهایی از گرفتاری‌ها باید خود دست به کار شوند، گروه‌هایی با هدف تلاش برای تحقق آرمان‌های یهودیان و اسکان در یک سرزمین واحد تشکیل شدند. جنبش «هیبات زبون» یا «عاشقان صهیون» یکی از اولین و مشهورترین آنها می‌باشد که با شعار به سوی صهیون، در کشورهای روسیه، فرانسه و انگلیس و ۰۰۰ فعالیت می‌کرد.

برخی از برجستگان یهودی در قوام اندیشه صهیونیسم، نقش غیرقابل انکاری داشتند. بنیامین دیزرائیلی، نخست وزیر انگلیس در اواسط قرن نوزدهم یکی از این افراد است. او در اصل یک یهودی تبار بود که در کودکی به خاطر تغییر مذهب پدرش، به دین مسیحیت درآمد لکن تا پایان عمر در راه پرورش اندیشه صهیونیسم کوشید. وی اذهان سیاستمداران انگلیسی را برای حمایت از اندیشه‌های نوین یهودیان آماده ساخت. در شناخت شخصیت وی اشاره به این جمله وی حائز اهمیت است که می‌گوید: نیرنگ، دروغ و خیانت در راه پیروزی، گناه نیست.

مجموعه عواملی که در شکل‌گیری و تقویت اندیشه صهیونیستی موثر بود عبارت است از:

- ۱- تبلیغات دائمی بزرگان یهود مبنی بر تعلق داشتن فلسطین به یهودیان
 - ۲- وجود دیدگاه‌هایی در فرهنگ یهود که ایشان را قومی برجسته، لایق و مستحق حکومت بر دیگران معرفی می‌کند.
 - ۳- بروز حملاتی علیه یهودیان در کشورهای اروپایی و در نتیجه کشته یا آواره شدن آنها
 - ۴- تبلیغ بر روی مسئله مظلومیت و بی‌پناهی قوم یهود از سوی برخی نظریه‌پردازان صهیونیست در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی و تاکید بر لزوم سازماندهی و فعالیت در راستای تحقق آرمان‌های یهود.
 - ۵- شروع فعالیت دستجات منظم یهودی با کارکرد سیاسی و ایجاد آبادی‌های یهودی نشین در فلسطین
 - ۶- لابی برخی از متنفذین یهودی با دربارهای اروپایی به ویژه انگلیس و مجاب نمودن ایشان برای حمایت از ایجاد دولت یهودی
- مجموع این عوامل در سال‌های پایانی سده نوزدهم میلادی، منجر به ایجاد سازمان صهیونیسم شد. در این سال‌ها پتانسیل لازم برای سازماندهی و فعالیت جدی در زمینه عملی نمودن اندیشه‌های صهیونیستی فراهم شده بود و فقط به یک چهره کاریزماتیک و فعال برای سازماندهی این جریان نیاز بود.
- تئودور هرتزل که یک روزنامه نگار در اتریش بود این نقش را عهده‌دار شد. وی که دکترای اقتصاد سیاسی داشت اعتقاد داشت یهودیان در هر کجای دنیا که هستند همگی به یک قوم تعلق دارند و غیرقابل جذب در ملت‌های دیگر هستند. هرتزل رهبری دیدگاه سیاسی صهیونیسم را بر عهده داشت. وی در اوت ۱۸۹۷ توانست ۲۰۴ نفر از برجستگان یهودی از ۱۷ کشور جهان را در شهر بازل سوئیس گرد هم آورد و اولین کنگره بین‌المللی صهیونیست را تشکیل دهد.
- در این کنفرانس هرتزل بر لزوم فعالیت جدی در زمینه ایجاد سرزمین و دولتی یهودی تاکید کرد و هدف صهیونیسم را ایجاد موطنی برای یهودیان در فلسطین و تضمین آن توسط قواعد بین‌المللی عنوان کرد.
- هرتزل در دوران ریاست هشت ساله‌اش بر سازمان و در خلال برگزاری کنگره‌ها به لابی نمودن با سران و متنفذین سیاسی اروپا برای کمک به اجرای مصوبات کنفرانس بازل ادامه داد. از جمله دولتمردانی که هرتزل در راستای اهداف سازمان صهیونیسم با ایشان ملاقات و گفتگو می‌کرد می‌توان به عبدالحمید (سلطان عثمانی)، ژوزف چمبرلین انگلیسی و ویلهلم دوم قیصر آلمان اشاره نمود.
- هرتزل در سال ۱۹۰۴ درگذشت ولی نتیجه مذاکرات وی و دوستانش با مقامات سیاسی و ذی‌نفوذ، به جلب موافقت انگلیس برای حمایت از سازمان صهیونیسم و اعلام بیانیه بالفور در ۱۹۱۷ انجامید که از تاسیس یک دولت یهودی در فلسطین حمایت می‌نمود.
- قبل از فعالیت رسمی سازمان صهیونیسم، برخی از اندیشمندان و نویسندگان بر پنهان بودن اهداف خطرناک و جهان‌گستر یهودیان در پشت طرح ایجاد دولت یهودی تاکید می‌کردند لکن یهودیان متنفذ این مسئله را یک جنگ روانی علیه قوم یهود می‌دانستند. پس از گسترش تلاش‌های یهودیان و نفوذ در مناصب دولتی به این نظریه توجه بیش‌تری شد و معلوم شد که مصوبات کنفرانس بازل، تمام آن چیزی نیست که صهیونیست‌ها به دنبال آن هستند. یکی از مصادیق این موضوع انتشار یادداشت‌های پراکنده هرتزل بود که ۲۶ سال پس از مرگ وی انتشار یافت.

بر اساس این نوشتار، هر متصل برای تحقق مصوبات بازل اعتقاداتی داشته که در تریبون‌های رسمی و جلسات صهیونیست‌ها هیچگاه بیان نمی‌کرده. اعتقاد راسخ او به مبارزه مسلحانه با اعراب و نفوذ در مطبوعات، امور مالی دولت‌ها و تشدید تضادها برای بهره‌گیری در جهت تحقق اهداف مورد نظر از جمله این موارد است.

هنری فورد، صنعتگر مشهور آمریکایی و صاحب کمپانی اتومبیل سازی فورد در سال ۱۹۲۱ (چهار سال پس از صدور اعلامیه بالفور) پروتکل‌های صهیونیست‌ها را مورد بررسی قرار داد. وی در جایی از این تحقیق در خصوص اهداف صهیونیستی و رای تشکیل دولت یهودی می‌گوید:

«فعالیت‌های صهیونیست‌ها در دو جهت متمرکز شده است، از یک سو کوشش آنها بر این است که تمام دولت‌های غیریهودی را براندازند و از سوی دیگر تلاش می‌کنند که یک دولت یهودی در فلسطین تاسیس کنند. آنها سر و صداهای زیادی به راه انداخته‌اند اما اینها همه بهانه‌هایی است برای اجرای نقشه‌های استعماری. نظریه دولت یهودی تنها یک پوشش است که پس از آن هدف‌های دیگری مورد نظر است. دسترسی به منابع معدنی و نفت فراوان یکی از این هدف‌هاست و تامین نیروی لازم برای عملیات مخفی هدفی دیگر. یهود، اقتصاد و سیاست را زیر سلطه خود دارد.»

سازمان جهانی صهیونیسم

سازمان جهانی صهیونیسم با نام اولیه «سازمان صهیونیستی» در اولین کنگره صهیونیستی در سال ۱۸۹۷، به عنوان چارچوب ساختاری جنبش سازمان یافته صهیونیستی و با هدف ظاهری ایجاد یک کانون یهودی برای قوم یهود، بنیانگذاری شد و شامل کلیه یهودیانی که برنامه صهیونیستی را می‌پذیرفتند؛ می‌گردید. از راه تاسیس سازمان صهیونیستی بود که صهیونیسم به جنبشی مدرن، دموکراتیک و مجهز به ابزارهای لازم برای فعالیت‌های سیاسی، مهاجرتی و تحقیقاتی در مقیاس وسیع در آمد. مهم‌ترین این ابزارها در زمان ریاست تئودور هرترسل بر این سازمان به وجود آمدند که عبارتند از:

- تراست مستعمراتی یهود که کار بانک صهیونیستی را انجام می‌داد.
- صندوق ملی یهود با هدف خرید زمین به عنوان مالی که همیشه به ملت یهود تعلق خواهد داشت.
- دی‌ولت به عنوان ارگان رسمی سازمان.

با ظهور تمایلات و جناح‌بندی‌های متعدد ایدئولوژیک در سازمان صهیونیستی، نوعی ثنویت در ساختار این سازمان به وجود آمد. به موجب اساسنامه سال ۱۹۲۱، سازمان صهیونیستی در ساختار خود از دو بخش افقی و عمودی تشکیل شده بود؛ از یک طرف نمایندگی‌های گسترده‌ای از این سازمان وجود داشت که صهیونیست‌ها را بدون در نظر گرفتن نقطه نظرانشان تحت پوشش قرار می‌داد، از طرف دیگر به صهیونیست‌هایی که به یک ایدئولوژی خاص معتقد بودند و بنا به تعبیر اساسنامه نماینده یک دیدگاه خاص بودند تحت شرایطی حق تشکیل اتحادیه‌های مستقلی داده می‌شد. با انتشار اساسنامه جدیدی در سال ۱۹۶۰، ساختار سازمان صهیونیستی دستخوش تغییرات اساسی شد و نام رسمی جدیدی تحت عنوان "سازمان جهانی صهیونیسم" انتخاب شد. الگوی داخلی سازمان تا حد زیادی به الگوی یک دولت حاکمه شباهت دارد که اعضای آن مانند شهروندانی هستند که کنگره سازمان را انتخاب می‌کنند و تا حدی انتخاب شورای عمومی نیز که به پارلمان شباهت دارد، با آنهاست.

قوه مجریه سازمان نیز به دولت و سازمان اداری یک مملکت شباهت دارد و دادگاه کنگره نقش قوه قضاییه آن را بر عهده دارد. از طرفی دیگر این سازمان از دو جهت مهم با یک دولت تفاوت دارد: یکی اینکه سازمانی بین‌المللی است و محدود به مرزهای ملی نیست و دیگر این که بر مبنایی کاملاً داوطلبانه بنا نهاده شده است و شدیدترین اقدام عملی که سازمان ممکن است علیه اعضا اعمال نماید، اخراج ایشان از عضویت می‌باشد.

اصطلاح "آژانس یهود" را سند قیمومیت فلسطین ابداع و توسط جامعه ملل در سال ۱۹۲۲ اعلان گردید. ماده چهارم این سند از شناسایی یک آژانس یهودی به عنوان موسسه‌ای عمومی که با هدف مشورت و همکاری با حکومت فلسطین در موضوعات اقتصادی، اجتماعی و ... در راستای تاسیس دولت یهودی صحبت نموده است.

سند قیمومیت، سازمان صهیونیستی را به عنوان معاون آژانس یهود در نظر گرفته بود و تا سال ۱۹۲۹ نیز این سازمان نقش همین آژانس را بازی می‌کرد (در حقیقت سازمان صهیونیستی و آژانس یهود یکی بوده و در یک تشکیلات واحد قرار داشته‌اند) این وضعیت با ابتکار وایزمن مبنی بر ایجاد یک آژانس یهود بزرگ‌تر تغییر یافت و از آن زمان به بعد سازمان صهیونیستی و آژانس یهود به دو سازمان متفاوت تبدیل شدند، هرچند ریاست هر دوی آنها را یک نفر بر عهده داشت. در واقع سازمان صهیونیستی مسئول فعالیت‌ها و وظایف مربوط به آوارگان یهودی خارج از فلسطین بود در حالی که آژانس یهود عمدتاً در خصوص مسئولیت کارهای داخلی فلسطین و اسکان یهودیان در این سرزمین فعالیت می‌کردند. آژانس یهود و سازمان صهیونیسم جهانی به دلیل اختلافاتی که در خصوص حیطه‌های کاری بین ایشان بروز می‌کرد تاکنون چند بار درهم ادغام و مجدداً استقلال یافته‌اند که تاریخ آخرین تفکیک بین این دو سازمان ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ می‌باشد.

کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل (ایک)

جمعیت یهودیان آمریکا در حدود ۶ میلیون نفر برآورده شده که کمتر از دو درصد از کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد اما یهودیان آمریکا با ایجاد تشکل‌های مهم و ارتباط کامل بین منافع آمریکا و صهیونیسم، به یکی از با نفوذترین گروه‌های تاثیرگذار در سیاست خارجی دولت آمریکا تبدیل شده‌اند. آنها یکی از اهداف خود را نفوذ در کانون‌های قدرت ایالات متحده تعیین نموده‌اند. از میان ۲۸۱ سازمان یهودی و ۲۵۰ اتحادیه منطقه‌ای، یکی از مهم‌ترین لابی‌های یهودیان در آمریکا، کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل موسوم به "ایک" می‌باشد که از دهه ۱۹۵۰ شروع به فعالیت نموده و از همان بدو تاسیس، هدف خود را مبارزه برای تصویب قوانینی در جهت حمایت از اسرائیل اعلام کرده است.

سازمان اییک مادر تمامی سازمان‌های یهودی آمریکا و در واقع بزرگ‌ترین آنهاست. این سازمان مسئول هماهنگی و برنامه‌ریزی جهت فعالیت تمامی سازمان‌های یهودی آمریکا و همچنین مسئول اصلی جمع‌آوری کمک و اعانه برای اسرائیل به شمار می‌رود که با ارتباط نزدیکی که با بیش از ۶۰ اتحادیه دیگر دارد، مسئول ایجاد کانال‌های جدید برای نفوذ رژیم صهیونیستی می‌باشد.

این کمیته دارای دفاتر و مراکز منطقه‌ای در سراسر آمریکا و اورشلیم می‌باشد که هر یک تحت مدیریت یک نفر اداره می‌شود. بخش‌های مهم این سازمان عبارتند از: حوزه قانونگذاری، سیاست خارجی، امور سیاسی، بخش ارتباطات، بخش توسعه و گسترش، رهبری سیاسی.

مقر اصلی ایپک در کاپیتال هیل واشنگتن دی سی می‌باشد و این موقعیت، امتیاز ویژه‌ای را برای دستیابی و دسترسی سهل‌تر به هرم قدرت به این سازمان داده است. ایپک اعضای خود را از بین صهیونیست‌ها (یهودیان و غیریهودیان) انتخاب می‌کند که همه آنها در یک چیز اتفاق نظر دارند و آن حمایت از اسرائیل و کانالیزه کردن سیاست خارجی آمریکا در راستای منافع این رژیم می‌باشد. ایپک یک کنفرانس سالانه برگزار می‌نماید و در آن به تعیین خط مشی کلی کمیته می‌پردازد که این خط‌مشی‌ها با جلسات و برنامه‌های آموزشی مختلفی همراه است که محیط مناسبی برای آموزش اعضا و آشنایی آنها با فرآیند لابی‌گری می‌باشد.

روزنامه نیویورک تایمز سازمان را موثرترین سازمان در رابطه با روابط آمریکا و اسرائیل اعلام می‌کند.

می‌توان گفت سازمان ایپک هم اکنون بیشترین نقش را در راستای اصلی‌ترین هدف صهیونیسم بین‌الملل که همانا سلطه جهانی است بر عهده دارد. این هدف با ایجاد نفوذی که سازمان‌های سیاسی صهیونیستی و در رأس آنها ایپک ایجاد نموده و از آن نهایت استفاده را نیز می‌برند، تا اندازه‌ای محقق شده است و مقدمات سلطه همه جانبه را فراهم نموده است.

اهم فعالیت‌های ایپک در حمایت از اسرائیل

- ۱- کمک به بقاء اسرائیل با ادعای تنها کشور دموکراتیک خاورمیانه
 - ۲- حمایت از اسرائیل در مقابل تهدیدات احتمالی
 - ۳- تربیت نسل آینده رهبران حامی و طرفدار اسرائیل
 - ۴- آموزش کنگره ایالات متحده در خصوص روابط اسرائیل و آمریکا
 - ۵- تقویت اسرائیل از طریق کمک‌های نظامی
 - ۶- تشویق سیاستمداران آمریکا در جهت بزرگ جلوه دادن خطر تروریسم در منطقه
 - ۷- توسعه روابط ایالات متحده و اسرائیل
 - ۸- حمایت از به رسمیت شناخته شدن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل
 - ۹- تلاش برای پایان دادن به انزوای اسرائیل در سازمان ملل
 - ۱۰- حمایت از پروسه صلح خاورمیانه، با فشار بر دولت آمریکا به نحوی که منافع اسرائیل را تامین کند.
- اهداف و روش‌های سازمان‌های صهیونیستی در جهان

صهیونیست‌ها با تمسک به مطالب جعلی وارد شده در تورات، خود را یگانه قوم برگزیده الهی می‌دانند، زیرا معتقدند که خدای او "یهوه" دو نوع حیوان برای آسایش او آفریده است: یکی چهارپایان و دیگری انسان‌های غیریهود که جان و مال و ناموسشان بی‌هیچ مانع و شرطی باید در اختیار او باشد؛ لذا این را حق مسلم خود می‌دانند که بر تمامی اقوام و سرزمین‌ها اشرافیت و حاکمیت دارند.

فاش شدن دستورالعمل اجرایی صهیونیست‌ها در اوایل قرن بیستم تحت عنوان پروتکل‌های یهود بیش از گذشته دست صهیونیست‌ها را برای جهانیان باز نمود. به عبارت دیگر این پروتکل‌ها حداقل به عنوان یک الگوی مناسب عملیاتی و اجرایی از سوی آنها برای دستیابی به حکومت جهانی یهود انتخاب و مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد.

رابطه بین صهیونیسم و اسرائیل

در تدوین و تبیین روابط اسرائیل و صهیونیسم سه مولفه اساسی مطرح است که عبارتند از جوامع یهودی، اهداف و منابع صهیونیسم و بالاخره اهداف و منافع اسرائیل.

در دوران زایش اسرائیل از سوی صهیونیسم، ابهامی در تمیز منافع این دو وجود نداشت. در آن زمان اسرائیل به عنوان یک کشور کوچک و ناتوان و در حلقه محاصره اعراب، به طور کامل حیات و ممت خود را در پشتیبانی از سازمان‌های صهیونیستی می‌دانست و خدمات زیر را از سازمان‌های صهیونیستی دریافت می‌کرد:

۱- تشویق و سازماندهی جوامع پراکنده یهودی برای مهاجرت به اسرائیل

۲- تامین هزینه‌های اقامت و سازماندهی یهودیان در اسرائیل

۳- تامین هزینه‌های سنگین تسلیحاتی اسرائیل برای مقابله با مقاومت فلسطین

۴- مشروعیت بخشیدن به حاکمیت دولت یهود در فلسطین تحت عنوان "اسرائیل" در صحنه سازمان‌های بین‌المللی و نزد بازیگران اصلی آن زمان (آمریکا، شوروی، انگلیس) که توسط لابی‌های یهودی انجام می‌گرفت.

تا پایان چهار جنگ اعراب و اسرائیل و چیره شدن اسرائیل بر دولت عرب، به نظر می‌رسید بسیاری سازمان‌های صهیونیستی تمام و کمال در راستای خواسته‌های اسرائیل حرکت می‌کنند. لکن از آن مقطع به بعد دو مورد اول در اولویت سردمداران صهیونیست نبوده و بیش‌تر در راستای محورهای سوم و چهارم به فعالیت پرداختند و این در حالی بود که دولت اسرائیل در پی کسب پیروزی بر دولت‌های عرب و انعقاد پیمان کمپ دیوید، خود را مانند کشوری کامل تصور می‌کرد و خواهان آن بود که سازمان‌های صهیونیستی در مسیر سازماندهی یهودیان برای مهاجرت به اسرائیل و از سوی دیگر تامین هزینه‌های ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین، بیش از گذشته کمک و مساعدت کنند.

یکی از مهم‌ترین راهکارهای سران صهیونیست جهت حفظ و گسترش و مشروعیت دادن به سازمان‌های خود، انسجام بخشیدن به جامعه یهودیان است. لذا در این موضوع اسرائیل و صهیونیسم هر دو وحدت نظر دارند که برای بهره‌گیری از یهودیان به یکدیگر نیازمند می‌باشند به ویژه در امر یهودیزه‌تر کردن جوامع یهودی اروپا و آمریکا، چرا که به تدریج این جوامع، با اتخاذ روش‌هایی همچون ازدواج با غیریهودیان و عدم پایبندی به اصول مذهبی یهود و همچنین عدم درک ضرورت و فلسفه مهاجرت به اسرائیل، استوانه‌های اصلی قدرت و موجودیت و مشروعیت اسرائیل و سازمان‌های صهیونیستی را با خطر مواجه می‌سازند؛ حتی عده‌ای از یهودیان در سال‌های اخیر، از دین یهودیت دست کشیده‌اند که نمونه‌های آن را می‌توان در روسیه و پرتغال مشاهده کرد.

اما به رغم تفاهم در ضرورت استفاده از مکانیسم دین ابزاری جهت افزایش تعلق خاطر قوم یهود به یهودیت، در چگونگی بهره‌گیری از این پتانسیل بین سران صهیونیست و سردمداران اسرائیلی اختلاف نظر وجود دارد. آریل شارون نخست وزیر رژیم صهیونیستی در این باره می‌گوید: یهودی‌ها یک دولت کوچک دارند و با تمامی توان از آن دفاع می‌کنند. هرچه در اسرائیل رخ می‌دهد، بر سرنوشت نسل یهودیان سراسر جهان نیز تاثیر می‌گذارد و من به این دلیل بر مهاجرت همه یهودیان به این سرزمین تاکید می‌کنم.

در همین خصوص مریدور دبیرکل آژانس یهود اسرائیل، یهودیان خارج از اسرائیل را عامل عمده و اصلی قدرت این رژیم می‌داند و برخلاف دولتمردان اسرائیل که جذب مهاجرین یهود از سراسر عالم را به عنوان استراتژی لایتغیر خود می‌دانند، سازمان‌های صهیونیستی حفظ هویت یهودیان و سازماندهی و تثبیت آنها را در هر کشور به مهاجرت یهودیان به اسرائیل ترجیح می‌دهند. در کل اسرائیل صرفاً پایگاه و عامل و ابزار فوق استراتژیک صهیونیسم است که در ذیل به فرصت‌ها و امکاناتی که صهیونیسم از طریق اسرائیل برای خود تامین می‌کند اشاره می‌کنیم:

۱- اولین و مهمترین محور وحدت یهودیان ایجاد و حفظ اسرائیل است.

۲- به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سازمان‌های صهیونیستی اسرائیل مشروعیت می‌دهد.

سردمداران صهیونیست برای متمرکز کردن کمک‌ها و مساعدت دولت‌های مهم در نیم قرن گذشته باید محلی را از حیث عینی و جغرافیایی مشخص می‌کردند، لذا تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین این مهم را برای سران صهیونیست تامین می‌کرد.

۳- اسرائیل پایگاه و خانه امن مجرمان صهیونیست و مزدوران آنها است.

همواره قوم یهود در صدد اعمال نفوذ در ساختار کلیه حاکمیت‌ها بوده‌اند اما هیچ‌گاه نتوانستند در بطن سیستم حکومتی باقی بمانند، چرا که به محض رسیدن به چنین جایگاهی از قدرت سوءاستفاده نموده‌اند و به این دلیل از سوی حکومت‌ها مورد خشم و غضب قرار گرفته‌اند. تشکیل دولت یهودی اسرائیل این فرصت را برای یهودیان و غیریهودیان و مزدوران آنها پیش آورد تا با آسودگی خیال به اقدامات خود در دیگر کشورها بپردازند و به محض هرگونه خطر به اسرائیل پناه ببرند؛ مانند پناهنده شدن بوریس برزفسکی سرمایه‌دار معروف روسی به اسرائیل جهت فرار از محاکمه و مجازات از سوی دولت روسیه.

۴- حمایت قانونی اسرائیل به عنوان یک دولت در مجامع بین‌المللی از دعاوی یهودیان در اخذ غرامت از کشورهای اروپایی.

دولت اسرائیل محل مناسبی است تا به وسیله آن سردمداران صهیونیست، دیگر کشورها را وادار سازند تا ایشان به عنوان یک دولت به دولت اسرائیل در خصوص موضوع هالوکاست غرامت پرداخت کنند و بخش مهمی از هزینه‌های سازمان‌های صهیونیستی را تامین کنند. در همین راستا هیئت دولت اسرائیل تصمیم گرفت که از کشورهای عراق، سوریه، مصر، یمن و ایران به خاطر مظالمی که قبل از سال ۱۹۴۸ در حق یهودیان این کشورها اعمال شده و باعث مهاجرت آنها به اسرائیل شده، تقاضای غرامت کنند.

۵- دولت اسرائیل سمبل و نماد فرهنگ یهود است.

دولت اسرائیل با احیانمودن زبان عبری به عنوان زبان رسمی در این کشور توانسته به بازسازی و احیای فرهنگ منسوخ سامی بپردازد و جوه اشتراک مهمی را همچون زبان عبری و برپایی مراسمات مذهبی در بین یهودیان پراکنده و ناهمگون دیگر کشورها پدید آورد.

۶- بهره‌گیری امنیتی و حفاظتی از سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل.

سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل در هر زمان و مکانی که سازمان‌های صهیونیستی، احساس خطر کنند، با حذف مخالفین به هر روش ممکن، به حفظ صیانت از منافع صهیونیست‌ها اقدام می‌کنند به عنوان نمونه در اتریش، اسرائیل رسماً جهت حفاظت از مراکز یهودی، گارد ویژه اعزام نموده است.

۷- تلفیق پروژه یهودستیزی با اسرائیل ستیزی

حال که موضوع هالوکاست به یک امر کلیشه‌ای و قابل خدشه تبدیل شده و تحركات گروه‌های ملی‌گرا علیه یهودیان، دیگر انگیزشی برای هم‌آوایی و هم‌نوایی یهودیان در دیگر کشورها ایجاد نمی‌کند، سردمداران صهیونیست در این خصوص به نوعی دیگر از اسرائیل بهره می‌برند، به نحوی که در نزد افکار عمومی یهودیان القا می‌کنند که هر اقدام و تحرک ضدصهیونیستی و ضداسرائیلی مساوی با یهودستیزی است.

در جریان سفر بشار اسد به فرانسه و آلمان که در تیرماه ۱۳۸۰ صورت گرفت، یهودیان، با سازماندهی سازمان‌های صهیونیستی اقدام به برپایی تظاهرات اعتراض‌آمیزی علیه وی و پذیرش او در اروپا نمودند، چرا که وی چندی قبل در ملاقات با پاپ ژان پل دوم، جنایات اسرائیل در کشتار مردم فلسطین را با اقدامات نازی‌ها برابر دانسته بود.

۸- اسرائیل مکان امنی جهت حفظ اسناد و مدارک سازمان‌های صهیونیستی است.

۹- ایجاد و ثبات دولت یهودی، القاء کننده تحقق وعده‌های جعلی صهیونیسم مذهبی است.

ایجاد و تثبیت نسبی دولت یهودی در فلسطین از دیدگاه صهیونیسم مذهبی و افراطی به عنوان سند حقانیت و تحقق وعده‌های تورات و زمینه‌ساز حکومت جهانی یهودیان است و از این رو تاکید یهودیان جهت به رسمیت شناخته شدن بیت‌المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل و بازسازی هیکل سلیمان، به منزله تیر خلاص بر ادعاهای مسیحیان و مسلمانان نسبت به این شهر مقدس می‌باشد.

احزاب رژیم اسرائیلی

بدون شک پیدایش ایده صهیونیسم و تشکیل دولت اسرائیل، دو واقعیت بنیادین و محوری در دنیای گروه‌های یهودی به شمار می‌رود؛ زیرا این ایده، داعیه رهبری و نمایندگی تمام یهودیان موجود جهان را دارد. از این رو اسرائیل تلاش فراوانی کرده است تا بتواند بسیاری از مبانی و وسایل موجود را تغییر دهد و قوم یهود، تاریخ یهود و ۲۰۰۰ را در دوره معاصر به صورت دائمی و رسمی به وجود آورد.

شناخت اسرائیل نخست باید در بستر دولت صهیونیستی و در نهایت دولت اسرائیل صورت گیرد و نکته قابل توجه در این باره تشکیل احزاب سیاسی و نمود مدرن قبیله و قومی‌گرایی یهود در دنیای مدرن است. این احزاب در دولت اسرائیل تاثیرات بسزایی داشته‌اند؛ در نتیجه از نکات بسیار مهم در برخورد با پدیده اسرائیل است.

بسیاری از اندیشمندان سیاسی با دولت اسرائیل به عنوان یک جزء واحد و منسجم برخورد کرده‌اند و بر اساس این فرضیه، راهبردهای سیاسی را در امور خارجه خود تدوین می‌کنند. سکونت اقوام متعدد از اقصی نقاط جهان در شهرک‌های اسرائیلی سبب شده است تا احزاب سیاسی متمایزی از احزاب سیاسی قبل از تشکیل دولت سیاسی شکل بگیرد. در آغاز توجه به این نکته ضروری است که دولت اسرائیل به هیچ عنوان دولتی متکثر و دموکراتیک محسوب نمی‌شود و نظام پارلمنتاریستی ضعیفی دارد و تا اوایل دهه نود، این خصوصیت به صورت یک ضرورت تبلیغ شده است و بعد از آن تا حدودی از این حالت انقباض خارج شده و به سوی آموزه‌های دموکراتیک حرکت نموده است. وجود نسل جدید در درون شهرک‌های اسرائیلی، مناسبات جدیدی را در سیاست اسرائیل به وجود آورده است.

سابقه احزاب را باید در دو مقطع بررسی کرد :

الف: قبل از ایجاد رژیم اسرائیلی

ب: بعد از ایجاد رژیم اسرائیلی

الف: احزاب سیاسی قبل از ایجاد رژیم اسرائیلی

در این دوره مهم‌ترین سازمان گروه‌های یهودی، سازمان صهیونیسم بود که در داخل آن سه جریان عمده پدید آمد:

۱- صهیونیسم عمومی

۲- صهیونیسم کارگری

۳- صهیونیسم مذهبی

صهیونیسم عمومی

از آغاز در میان یهودیان دو دیدگاه متفاوت به صورت کلی درباره دولت یهودی وجود داشت. دیدگاه اول که تئودور هرتزل را می‌توان نماینده آن دانست، در پی کسب ضمانت‌های بین‌المللی از دول بزرگ سیاسی زمان، جهت ایجاد دولت وطن یهودی بود و در مقابل، دیدگاه دوم به رهبری زئیف جابوتنسکی، اولویت را به مهاجرت یهودیان و سازوکارهای اجرایی سکونت یهودیان در سرزمین مقصد اعلام می‌کرد. وی این عمل را زمینه اجرایی تشکیل دولت یهودی می‌دانست و در نهایت اتحادیه «صهیونیست‌های اصلاح‌گر» را تاسیس کرد که در کنگره پانزدهم، شانزدهم و هفدهم به اکثریت دست یافته و به کار آن پایان و سازمان صهیونیستی دیگری را به ریاست وایزمن تشکیل دادند.

صهیونیسم کارگری

با توجه به رشد جوامع صنعتی و پدیداری طبقه کارگر، بسیاری از یهودیان نیز در این طبقه قرار گرفته و متاثر از نظرات سوسیالیستی مطرح در جهان بودند. تفکرات تشکیلاتی سوسیالیست‌ها در تاسیس اتحادیه کارگری با سرایت به برخی از اعضای سازمان‌های صهیونیستی مانند بوعالی تسیون موجب شد تا نسبت به جذب صهیونیست‌های سوسیالیست نیز گرایش‌هایی بوجود آید. تا آن که در سال ۱۹۰۵ میان تسیون و سوسیالیست‌های یهودی ائتلاف ایجاد شد و حزب بوعالی تسیون اعلام موجودیت کرد. با توجه به تفکر کمونیستی، ایده کمونیست‌های صهیونیسم و نقش و پایگاه آنها در ایده کمونیسم جهانی محور عقاید آنها بود؛ ولی به دلیل گرایش‌های صهیونیستی بسیار شدید، این حزب در سال ۱۹۳۹ مجدداً به سازمان صهیونیستی پیوست.

با توجه به وجود گرایش‌های کمونیستی و طبقه کارگر در میان گروه‌های یهودی، انشعابات متمایل به این گرایش‌ها از حزب بوعالی تسیون صورت گرفت. حاصل این انشعاب تشکیل اتحادیه کارگری با نام احدودت هفعودا بود. تا زمانی که با سازمان هبوعیل هتسعیر ادغام شده و حزب المبادی را در سال ۱۹۳۰ تشکیل دادند.

در نهایت اختلافاتی بسیار میان هتسعیر و اعضا المبادی به ویژه درباره قرارداد میان اصلاحگران و بن‌گوریون موجب توسعه این اختلافات تا ارجاع آن به هستدورت و طرح رفراندوم گردید. در نهایت این اختلاف، انشعاب بسیاری را تا انحلال رسمی اعضای داخلی المبا به همراه داشت.

صهیونیسم مذهبی

طرح اتحاد میان جریان صهیونیستی و دین یهود در دستور کار کنگره دوم قرار گرفت، اما این اتحاد در بستر سکولار، رشد یافت. شهربال نخستین شاخصه‌های تفکرات سکولاری را در قبال دین یهود می‌شنید، آموزه‌هایی که به طور مشخص دین را تعریف کرده و اعتقادی به گسترش عواطف از تعالیم یهودی در شهروندی و اداره جامعه یهودی نداشت. این ایده موجب آن شد تا «خاخام راتیس» از سازمان جدا شده و درگیری میان جناح‌های رادیکالی و کارگری بروز خارجی‌تر بیابد.

جنبش‌های مقابل نگاه حداکثری به دین یهود با تشکیل نهضت اقدامات خود را منسجم‌تر کردند و همین امر پایه‌های ایجاد حزب دینی را در سال ۱۹۲۲ بنیان گذارد؛ هدفی که در فضای آن دوره، دیدگاه حداکثری به دین یهود داشته و از پایگاه قدرتمندی در اسرائیل برخوردار است. آموزه‌های دینی موجود در تورات کنونی، بهترین تمسک این حزب و جریان استعمار اروپا در تشویق و ترغیب یهودیان به مهاجرت به فلسطین بوده است، موضوعی که هر روز در کیان دولت غاصب اسرائیل در تعامل با دنیای غرب و فرق مهاجر به حاشیه‌رانی کامل تورات در اجرائیات دولت رضایت داده است. از جمله کارکردهای این حزب با در محاق بردن گروه‌های متدین یهودی غیرصهیونیستی است. این گروه‌ها را عمدتاً می‌توان در اقوام ارتدوکس مشاهده نمود.

این گروه با توجه به مهاجرت به فلسطین، پایگاهی نیز کسب کرده بودند. جنبش آگودات اسرائیل نماینده این احزاب بوده و تشکیل دولت یهودی در فلسطین را پایان اراده منتظران یهودی در بازگشت مسیح می‌داند و هر حرکتی با این هدف را ضربه‌ای از جانب کفر می‌دانند.

نکته قابل توجه در مورد این گروه، پدیداری گرایش موافق به جریان صهیونیسم از درون آن است. حرکتی که این جریان را به یک جریان طرفدار بازگشت به اسرائیل و تقویت صهیونیسم تبدیل کرد، ولی اصولگرایان موجود در این جریان در سال ۱۹۳۵ جدایی خود را از این جریان اعلام کردند. در نهایت در اسرائیل پنج گروه با عنوان تاتوری کارتا وجود دارند که وظیفه خود را مبارزه علیه صهیونیسم می‌دانند، البته دلیل آن را عدول جریان صهیونیسم از سه عهد معروف یهودیان می‌دانند.

ب: احزاب سیاسی بعد از تشکیل رژیم صهیونیستی

در یک نمای کلی می‌توان سه گروه عمده احزاب سیاسی را به شرح ذیل برشمرد:

- ۱- اردوگاه چپ‌گرایان
- ۲- اردوگاه راست‌گرایان
- ۳- اردوگاه مذهب‌گرایان

در کنار سه حزب یهودی بالا به صورت حاشیه‌ای احزاب عربی نیز حضور دارند. برخی از صاحب‌نظران سیاسی با دسته‌بندی بالا مخالف بوده و تقسیمات دیگری را ارائه می‌کنند که قبل از شرح مختصر هریک از آنها، ذکر چند نکته درباره خصوصیات مشترک موجود میان آنها ضروری است:

گسترده عملکرد: احزاب سیاسی موجود در اسرائیل دارای عملکردهای فرامسئولیتی یک حزب می‌باشند. احزاب اسرائیلی که عمدتاً در اروپا تشکیل شده‌اند، قبل از مهاجرت به فلسطین و غصب آن، مسئولیت‌های متعددی، را از جمله: مهاجرت، اسکان، بیمه‌گذاری و ۰۰۰ را جهت یهودیان تحت پوشش خود انجام می‌دادند، از این رو بسیاری از این احزاب بعد از تشکیل دولت غاصب اسرائیل و نیازهای موجود در سرزمین‌های فلسطین اشغالی این وظایف را به صورت هدفمندتری انجام می‌دهند. از این رو کارکرد این احزاب از وجوه ممیزه آنها با دیگر احزاب موجود در دنیا می‌باشد.

اما بعد از تشکیل رژیم نژادپرست یهودی در فلسطین با استفاده از نفوذ حزبی و به کارگیری امکانات دولتی در جهت اهداف حزبی، بازتاب نامطلوبی را در میان یهودیان مقیم اسرائیل داشته است، به ویژه احزاب سنتی‌تر یهودی که قدمت آنها به دوران یشیوف برمی‌گردد، مشمول این قاعده می‌باشند که از آن جمله می‌توان به احزاب کارگری یا چپ‌گرای یهودی اشاره کرد که سرمایه‌های دولتی بسیاری را به سوی انجمن‌های کیبوتس و موشاف هدایت کردند تا این سندیکاها را از ورشکستگی نجات دهند.

برداشت‌های دینی: از ملاحظات مهم در احزاب و انشعاب‌های آنها می‌توان به نقش عقیده‌مندی هریک از گروه‌ها در قبال مذهب و رابطه آن با حکومت اشاره کرد که به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف: گروه‌هایی که خواهان صلح با فلسطینیان و کشورهای عربی بوده و بر عقب‌نشینی از بخشی از سرزمین‌های اشغالی تمایل نشان می‌دهند. احزاب کارگری و عربی را می‌توان در این دسته قرار داد.

ب: گروه‌های یهودی که با هر نوع عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی مخالف بوده و خواهان توسعه اسرائیل به این سرزمین هستند. احزاب دسته راستی را نیز باید در این گروه جای داد؛ البته حزب‌هایی مانند توسعه هستند که دست راستی نیستند، ولی در این عقیده با این گروه‌ها مشترک هستند.

ساختار همسان حزبی

احزاب اسرائیلی دارای ساختار و شاکله واحد یا مشترکی هستند. هر حزب دارای یک کنگره است که سیاستگذاری‌های کلان حزب را انجام می‌دهد و معمولاً ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ عضو دارد. کنگره در هر چند سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و در خلال هر نشست کنگره به یک کمیته مرکزی چند صد نفره که از اعضای کنگره انتخاب شوند، در هر ده سال چند مرتبه جمع شده و هدف‌گذاری حزب را انجام می‌دهند. در واقع این کنگره‌ها تشریفاتی بوده و عده بسیار اندکی از رهبران سیاسی و منتقدان یهودی، تمام خط مشی‌ها و انتخاب افراد جهت تصدی مناسب حزبی و دولتی را در انحصار داشتند. این عده با تشکیل طبقات گوناگون به خریداری آرا جهت تثبیت موقعیت خویش اقدام می‌کردند.

ابزار بسیار مهم این گروه، وجود کمیته داوطلبین بود. رهبران یهود بر اساس معاملات پنهان، نامزدهای مورد قبول را به احزاب معرفی می‌کردند و احزاب از میان این عده، کاندیدا را برمی‌گزیدند. البته از دهه ۸۰ به تدریج وضعیت تغییر کرده و نظام‌های مقدماتی انتخاباتی مشابه آمریکا در احزاب اسرائیل در حال شکل‌گیری است.

از احزاب چپ می‌توان از حزب کارگر نام برد. حزب کارگر از جمله احزاب سوسیال دموکرات صهیونیستی است که از اتحاد سه حزب کارگری به وجود آمده است که رهبران آن اسحاق رابین، شیمون پرز، موشه دایان، لویا الیاف، شولامت الوانی و هم اکنون ایهود باراک هستند. این حزب‌ها مانند احزاب دیگر دچار مشکلات اساسی بوده‌اند.

این حزب در برابر عقب‌نشینی کامل یا الحاق کامل سرزمین‌های اشغالی مخالف و خواستار راه حل میان منطقه‌ای است. از احزاب راست‌گرا، می‌توان از احزاب یهود، مولیدت، تومت، هتچیا و حزب افراطی نام برد. حزب لیکود در سال ۱۹۷۷ برای نخستین بار در تاریخ اسرائیل توانست از احزاب چپ‌گرا پیشی بگیرد و در یک ائتلاف با احزاب مذهبی، کابینه تشکیل دهد. مدت‌ها یکی از رهبران و مردان پشت پرده یهود به نام «مفاخیم بگین» بر این حزب ریاست باثباتی داشت و پس از کناره‌گیری وی، سه جناح در آن به وجود آمد: جناح شاهیر، جناح شارون و دیوید لوی که در میان یهودیان شرقی پایگاه مستحکمی داشت.

معرفی بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

این پایگاه فعالیت خود را در آخرین جمعه رمضان ۱۴۳۷ مصادف با روز جهانی قدس مورخ ۱۱/تیر/۱۳۹۵ آغاز نمود.
این وب سایت ، یک پایگاه علمی- پژوهشی در زمینه یهود ، صهیونیسم و اسرائیل می باشد.

بخش های مختلف بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم عبارتند از :

- (۱) **شناخت جامع یهود ، صهیونیسم و اسرائیل :** اولین پست است و شامل عناوینی است که به ترتیب از تولد دین یهود تا تاریخچه صهیونیسم و ایجاد حکومت اسرائیل مرتب شده اند ، ذیل هر عنوان ، مطالبی جامع مشاهده خواهید کرد و این امر با کلیک بر روی عنوان مورد نظر میسر است . برای سهولت دسترسی به مطالب ذیل عناوین ، در فرصت های دیگر، لینک فایل PDF مطالب جلوی هر عنوان قرار داده شده است .
- (۲) **بانک مقالات :** بانک مقالات این پایگاه از غنی ترین بانک های مجازی مقالات باموضوع تخصصی صهیونیسم می باشد. مقالات در بخش های ۱۲ تایی ارسال ، طبقه بندی و آرشیو می شوند. هر ماه یک بخش جدید یعنی ۱۲ مقاله به بانک اضافه می شود .
- (۳) **کتابخانه :** کتابخانه شامل کتاب های با فرمت PDF در زمینه یهود ، صهیونیسم و اسرائیل می باشد . کتاب ها در بخش های ۶ تایی ارسال ، طبقه بندی و آرشیو می شوند .